

بررسی عوامل موثر بر مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در دوره

۱۳۸۵-۹۰

نصیبه اسمعیلی^۱

حسین محمودیان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۳

جنسیت، یکی از مهمترین بسترهای اجتماعی مهاجرت محسوب می شود. تا چند دهه اخیر مهاجرت بیشتر پدیده‌ای مردانه قلمداد می شد، حال آنکه امروزه زنان نیز به مهاجرت می پردازند و نزدیک به نیمی از حرکات مهاجرتی را شکل می دهند. تغییرات ساختاری و نگرشی در مورد موقعیت زنان و مشارکت های اجتماعی آنها، باعث افزایش توقعات، آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی زنان شده است و آنان برای دسترسی به فرصت ها و موقعیت های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، دست به مهاجرت می زنند. با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین وجود خलाهاى تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵ می پردازد. روش مورد استفاده، تحلیل ثانویه داده‌های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ است. در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ حدود ۵/۵ میلیون نفر در کشور مهاجرت داشته اند که ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد زن بوده‌اند. نتایج بررسی نشان داد که حدود یک پنجم زنان جوان به دلایل شغلی و تحصیلی مهاجرت و جا به جایی داشته اند. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که وضعیت تاهل (مجرد بودن زنان)، سرپرست خانوار بودن زنان، ضریب نفوذ اینترنت، تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی آنان از مهمترین عوامل اثر گذار بر مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان در سال های اخیر می باشد. از این رو، افزایش سطح تحصیلات زنان در ایران و به تبع آن تحرک اجتماعی و ورود به بازار کار زنان منجر به حرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر در ایران خواهد شد.

واژگان کلیدی: مهاجرت شغلی، مهاجرت تحصیلی، تحلیل ثانویه، جنسیت و جوانان

E-mail: n.esmaeli@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار، گروه جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

جنسیت^۱، عامل تعیین‌کننده اساسی در مهاجرت و سایر رفتارهای جمعیتی محسوب می‌شود. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که جنسیت و نظام‌های قشربندی جنسیتی در تمام ابعاد و جنبه‌های فرایند مهاجرت، مانند روابط بین جوامع مبدأ و مقصد (کرنی^۲، ۱۹۸۶) و (فرناندز-کلی^۳، ۱۹۹۳) راهبردها و تأثیرات استخدامی مهاجران (راونشتاین^۴، ۱۸۸۵) و شیوه‌هایی که افراد در فرایند تصمیم‌گیری درباره مهاجرت مشارکت می‌کنند، حضور دارد و نقش مهمی ایفا می‌کند (ریلی و گاردنر^۵، ۱۹۹۳). تا میانه دهه ۱۹۷۰، مهاجرت به عنوان پدیده‌ای مردانه تلقی می‌شد، حال آنکه امروزه نزدیک به نیمی از جمعیت مهاجران را زنان تشکیل می‌دهند. امروزه، زنان نه فقط به‌عنوان مهاجران تبعی^۶ و بخشی از فرایند ملحق شدن به خانواده، بلکه به عنوان عوامل و کارگزاران مستقل، حامیان و برنامه‌ریزان خانواده دست به مهاجرت می‌زنند (آیوم^۷، ۲۰۰۳: ۸).

اغلب تصور بر این است که مهاجرت یک پدیده خنثی به لحاظ جنسیتی است، حال آنکه مهاجرت در حقیقت پدیده‌ای جنسیت محور است. زنان و مردان به دلایل مختلفی مهاجرت می‌کنند، از کانال‌های متفاوتی برای مهاجرت استفاده می‌کنند، نقش‌های متفاوتی را نیز در فرایند مهاجرت ایفا می‌کنند و از تجربه‌های متفاوتی نیز برخوردارند، زیرا نقش‌ها، روابط و نابرابری‌های جنسیتی، فرایند مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها تعیین می‌کنند چه کسانی مهاجرت کنند و چرا و چگونه تصمیم به مهاجرت بگیرند (اسمعیلی، ۱۳۸۸: ۱۲). با این حال، علیرغم اهمیت ابعاد جنسیتی مهاجرت و نقش زنان در فرایند مهاجرتی، عدم توجه کلی به جنسیت در بیشتر مطالعات مهاجرتی هنوز وجود دارد و حتی پس از یک دهه از پیشنهاد و دعوت مطالعات و تحقیقات برای اصلاح و کاهش چنین عدم توجه و نادیده گرفتن جنسیت، هنوز بررسی تأثیر این عامل تعیین‌کننده مهاجرتی نادیده گرفته شده است. علت این نادیده گرفتن نیز این بوده است که در بیشتر مطالعات یک فرض ضمنی وجود دارد و آن این است که زنان همانند مردان در فرایند مهاجرت فعال نیستند و بیشتر نقش منفعل و پیرو دارند (ریلی و گاردنر، ۱۹۹۳: ۱۰).

¹ Gender

² Kearney

³ Fernandez-kelly

⁴ Ravenstein

⁵ Riley and Gardner

⁶ Dependents

⁷ Iom

بررسی تاریخی مهاجرت در کشور ما ایران نشان می دهد در گذشته به دلیل ساختار مرد سالارانه و انزوای زنان و غیبت آنها در تصمیم گیری های مهم خانواده، امر مهاجرت با میل و نیاز مردان صورت می گرفت، اما امروزه با بالا رفتن سطح تحصیلات و به تبع آن تغییرات اساسی در عقاید و نگرش زنان، میل به تحرک اجتماعی و تحرک اقتصادی در آنان افزایش یافته است. امروزه زنان فرزند آوری را به تأخیر می اندازند، تعداد فرزندان کمتری به دنیا می آورند و به دنبال فرصت های شغلی هستند. از این رو، آن ها به عنوان نیروی کار جدید در بازارهای اشتغال، دیگر تنها افراد منفعل و تابع همسران خود در فرآیندهای مهاجرتی نیستند، بلکه به طور فعال در تصمیم گیری های مهاجرتی نقش دارند و برای نیل به هدف خود که همان تحرک اجتماعی است، دست به مهاجرت می زنند. در ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ حدود ۵/۵ میلیون نفر در کشور مهاجرت کرده اند که ۵۲ درصد آنها مرد و ۴۸ درصد زن بوده اند.

در نمودار ۱ ساختار سنی زنان مهاجر در دوره ۹۰-۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص گردد زنان مهاجر بیشتر در چه گروه سنی بوده اند. همان طور که نمودار ۱ نشان می دهد، بیشتر زنان مهاجر در گروه های سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله بوده اند و سپس بیشترین زنان مهاجر در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار گرفته اند و در نهایت در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله بوده اند. به طور کلی بیشتر زنانی که مهاجرت کرده اند، در دامنه ی سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله بوده اند. از این رو، برای تحلیل های بیشتر بر این محدوده سنی متمرکز و از داده های خرد سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شده است.



نمودار ۱: ساختار سنی زنان مهاجر داخلی در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵

همان طور که بررسی علل مهاجرت کلیه زنان مهاجر طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ در جدول ۱ نشان می دهد، در حدود ۶۸/۵ درصد از زنان به دلایل تبعی مهاجرت کرده اند، ۱۴ درصد به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند و در مجموع حدود ۲۴ درصد به دلایل تحصیلی و اقتصادی مهاجرت کرده اند.

جدول ۱: علل مهاجرت های داخلی زنان ایرانی در دوره ۹۰-۱۳۸۵

علل مهاجرت	تعداد	درصد
جستجوی کار	۳۸۵۱۲	۱/۴
جستجوی کار بهتر	۲۲۲۱۷	۰/۸۴
انتقال شغلی	۳۱۶۴۵	۱/۲
تحصیل	۳۵۱۳۰۸	۱۳/۳۷
پایان تحصیل	۲۰۷۷۶	۰/۷۹
دستیابی به مسکن مناسب تر	۱۴۲۲۹۳	۵/۴
پیروی از خانوار	۱۸۰۱۱۷۵	۶۸/۵
سایر	۱۵۶۰۲۵	۵/۹۴
اظهار نشده	۶۲۱۵۵	۲/۳۶
جمع	۲۶۲۶۱۰۶	۱۰۰

ماخذ: نتایج کلی سرشماری ۱۳۹۰

بدین ترتیب، با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین با توجه به اینکه مهاجرت های صورت گرفته بیشتر در دامنه سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله رخ می دهد، این مقاله به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان می پردازد. همچنین، برآنیم تا دریابیم که مهم ترین عوامل موثر در مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان جوان در دوره ۹۰-۱۳۸۵ چه عواملی هستند.

پیشینه پژوهش

اگرچه حرکات و جابه جایی های افراد در طول مرزها، جوامع و ایالت ها سابقه طولانی دارد، اما زنان در ادبیات اولیه مهاجرتی، غایب بوده اند. بیشتر مطالعات درباره مهاجرت از نمونه های مردان استفاده کرده اند. مشخصه دیگر ادبیات اولیه مهاجرتی درباره زنان این است که وقتی هم که زنان نادیده گرفته نشده اند، آنها را در فرایند مهاجرت در چارچوب خانواده و در رابطه با فرزندان دیده اند (چارالامپولو^۱، ۲۰۰۴). لازاردیز^۲ (۲۰۰۰) بیان می کند که ادبیات مهاجرتی مبتنی بر تصورات قالبی از زنان مهاجر به عنوان همسران یا مادرانی است که منزوی،

¹ Charalampopoulou

² Lazardis

بی‌سواد و کنار گذاشته شده از جهان بیرونی هستند. از این رو، بخش اعظمی از ادبیات مهاجرت، زنان را نادیده گرفته است. با این حال در دهه گذشته، مطالعات در حال افزایشی به بررسی جنسیت و مهاجرت پرداخته‌اند. به عنوان مثال، هیلر و مک کیگ^۱ (۲۰۰۷) به بررسی نقش زنان به صورت فعال و منفعل در مهاجرت و رضایت مندی آنان پس از مهاجرت پرداختند. به علاوه، پارادو و دلپین^۲ (۲۰۰۵) استقلال زنان پس از مهاجرات و دلایل موثر بر آن را مورد بررسی قرار دادند. همچنین، هیرینگ و همکاران^۳ (۲۰۰۴) جنبه جنسیتی نقش شبکه های خانوادگی در تداوم مهاجرت در مراکش را بررسی نمودند.

مطالعات صورت گرفته در ایران در زمینه نقش زنان در فرایند مهاجرت محدود و اندک بوده است. عصار^۴ (۱۹۹۳) نقش زنان و شبکه خویشاوندی در مهاجرت خانوادگی را مورد بررسی قرار داد و ولایتی (۲۰۰۳) تاثیر مهاجرت روستایی- شهری را بر شرایط اقتصادی زنان مهاجر بررسی نمود. با توجه به اهمیت موضوع، بررسی عوامل اقتصادی و تحصیلی زنان در فرایند مهاجرت، می‌تواند شناخت بیشتری درباره فرایندهای مهاجرتی و مکانیزم‌های آن فراهم کند. اسماعیلی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی به شهر همدان" به این نتیجه رسید که با افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آن‌ها در ساختار قدرت خانواده و اخیر تر بودن سال مهاجرت، نقش فعال زنان در فرآیند مهاجرت افزایش می‌یابد و در نتیجه، به طور فعال تری در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی مشارکت داشته‌اند. حسن پور (۱۳۸۹) در تحقیقی با موضوع "گرایش به مهاجرت و جنسیت" نشان داد که برای مردان، عوامل اقتصادی و برای زنان، عوامل فرهنگی و اجتماعی تاثیر پر رنگ تری در گرایش آنان به مهاجرت دارند. جعفری (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان "نگاهی به تحولات مهاجرت زنان در نقاط شهری شهرستان مشهد" به این نتیجه دست یافت که علاوه بر سن و جنس، عوامل متفاوتی از قبیل تحصیلات، اشتغال، مسافت و مهم تر از همه، پیروی از خانوار نقش مهمی را در مهاجرت زنان ایفا می‌کند. مشفق و خزایی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان "تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران" به دو نوع الگوی مهاجرتی برای زنان دست یافتند: یکی استراژی توسعه حرفه‌ای و فردی که مختص زنان تحصیل کرده و متخصص است و دیگری، الگوی زنان مهاجری است که از مهاجرت به عنوان ابزاری برای بقا خود استفاده می‌کنند. صادقی و ولدوند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تحلیل جنسیتی رفتارهای مهاجرتی

¹ Hiller and McCaig

² Parrado and Dippen

³ Hilling

⁴ Assar

زنان و مردان ایرانی¹ نشان دادند که حدود یک چهارم زنان در مقایسه با سه چهارم مردان مهاجر، نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که حدود ۷۰ درصد تفاوت های جنسیتی در ایفای نقش فعال در فرایند مهاجرت، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین دو جنس می‌باشد. از این رو، ساختارهای اقتصادی مردانه و هنجارهای جنسیتی، نقش مهمی در تبیین تفاوت های جنسیتی مهاجرت در ایران دارند.

در هیچ کدام از مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته به صورت مشخص به بررسی مهاجرت های تحصیلی شغلی زنان جوان پرداخته نشده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط صادقی و ولدوند (۱۳۹۳) صورت گرفته، به مقایسه رفتار مهاجرتی زنان و مردان پرداخته شده و نتیجه گرفته شده که تفاوت در رفتار مهاجرتی بین زنان و مردان به دلیل ساختار و هنجارهای موافق با مرد سالاری است.

همچنین، در مطالعه ای که توسط مشفق و خزایی (۱۳۹۴) صورت گرفته به مهاجرت های مستقل زنان و عوامل و تعیین کننده های آن پرداخته شده و به دو نوع الگوی مهاجرت های مستقل زنان اشاره شده است. از این رو، مطالعه ای که به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان و دختران جوان پردازد، انجام نشده است و مطالعه حاضر می تواند به این خلا تحقیقاتی پردازد.

چار چوب نظری پژوهش

تئوری‌های مهاجرت به طور سنتی بر علل مهاجرت بر اساس پرسش‌هایی از افراد مهاجر تاکید داشته‌اند و به طور کافی به بررسی و تحلیل تجربه مهاجرتی به تفکیک جنسیت پرداخته‌اند (بویاد و گریکو، ۲۰۰۳: ۲۵). در واقع، امروزه زنان بیشتر از گذشته مهاجرت می‌کنند. از این رو، تبیین‌های سنتی برای مهاجرت مردان را نمی‌توان در مورد مهاجرت زنان به کار برد. تصمیم‌گیری‌ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده‌ها و نهادها اتخاذ می‌شود (دوناتو و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۲).

در این بخش تئوری‌های مورد بحث را به سه دسته تقسیم کرده ایم: اولین دسته مربوط به رویکردهایی است که چانت و رادیکلف مطرح کرده‌اند. دسته دوم، رویکردهای نظری مورد بحث در ادبیات جامعه‌شناسی است که بر تفاوت های جنسیتی در مهاجرت های خانوادگی اشاره کرده اند که خود به دو بخش تقسیم می‌شود: تئوری منابع خانواده و تئوری نقش های جنسیتی. در دسته سوم به نظریات بویاد و گرایکو پرداختیم. چانت

¹ Donato

و رادکلیف^۱ چهار رویکرد تئوریکی را معرفی کرده‌اند که می‌تواند برای تبیین مهاجرت زنان مورد استفاده قرار گیرد. این رویکردها شامل رویکرد تعادل/نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی‌های خانوار می‌باشند. رویکرد تعادل/نئوکلاسیک به تبیین حرکات مهاجرتی زنان روستایی با فرصت‌های شغلی اندک و بازارهای کار شهری می‌پردازد. در این رویکرد فرض می‌شود که انگیزه‌های مهاجرت برای مردان و زنان یکسان می‌باشد. رویکرد ساختاری، بر تغییرات ساختاری اقتصادی-اجتماعی و سیاسی به عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان تاکید می‌کند. رویکرد رفتاری، فرض می‌کند که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی به رفتار مهاجرتی می‌پردازند. در نهایت، رویکرد استراتژی‌های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تاثیرگذار می‌باشد. بر اساس این رویکرد معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار، مهاجرت می‌کند(چانت و رادیکلف، ۱۹۹۲: ۲۵) و در این زمینه اغلب زنان باتوجه به سلسله مراتب‌های اجتماعی- فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده از مهاجرت منع می‌شوند.

یکی از نکات مورد توجه در رویکرد استراتژی‌های خانوار، موضوع تقسیم کار و قدرت در درون خانوار می‌باشد و اینکه اینها چگونه گرایش و آزادی افراد مختلف را مطابق با جنسیت، سن و روابطشان با سایر اعضای خانوار تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و همچنین اینکه اینها چگونه مهاجرت به سمت شهرها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. این رویکرد سه نکته و محور را مورد بحث قرار می‌دهد: اول، دسترسی نابرابر دو جنس به منابع بر ساخته اجتماعی است. دوم، شرایط خانوار یک نقش کلیدی در فرایند مذاکرات درباره منابع و تصمیمات مهاجرتی ایفا می‌کند و سوم، در درون هر خانوار، جنسیت با سایر محورها مانند سن و وضعیت تأهل، شرایطی را ایجاد می‌کند که به طور مستقیم و غیرمستقیم حرکات مهاجرتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر این سه رویکرد، در ادبیات جامعه‌شناختی دو چارچوب تئوریکی برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت خانوادگی ارائه شده است: یکی تئوری منابع خانواده و دیگری تئوری نقش‌های جنسیتی. تئوری منابع خانواده بیان می‌کند که قدرت فرد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. تئوری نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند که زنان، صرف نظر از سطح منابع فردی‌شان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت خانوادگی دارند. به طور سنتی، نقش‌های زنان کمتر از نقش‌های مردان در جهت

¹ Chant and Radcliffe

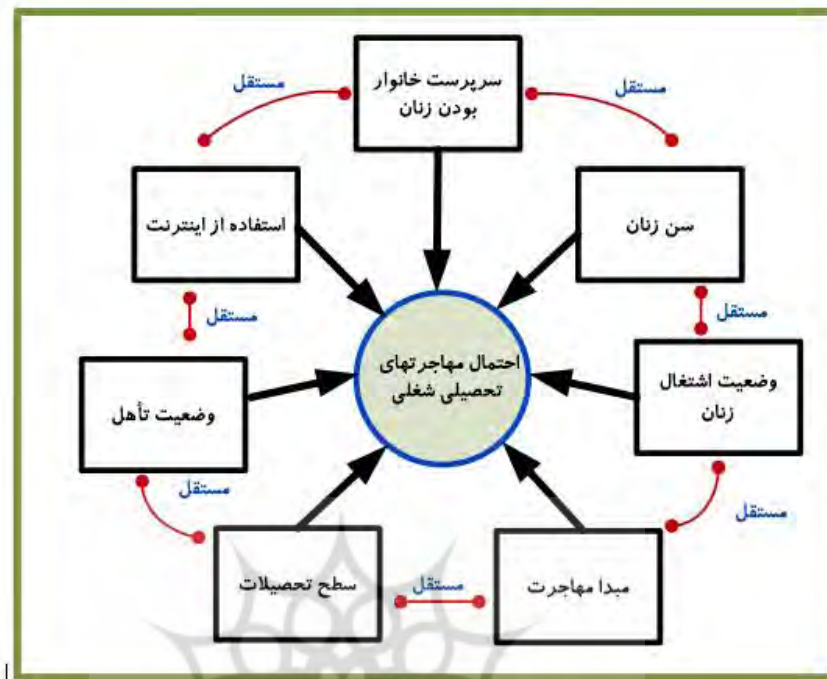
فعالیت‌های بازار بوده است، از این رو، زنان به احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی هستند (چاتوپادیا^۱: ۳۱،۲۰۰۰)

به طور جزئی‌تر، بویاد و گرایکو (۲۰۰۳) در تلاش برای ارائه تئوری جنسیتی مهاجرت معتقدند که می‌توان سه مرحله که در آن روابط، نقش‌ها و سلسله مراتب جنسیتی بر فرایند مهاجرت تأثیر می‌گذارد را از همدیگر متمایز نمود و در آن نتایج متفاوتی را برای زنان متصور شد: مرحله قبل از مهاجرت، مرحله انتقالی و عبوری در طول مرزها و تجربه مهاجران در منطقه مقصد. در مرحله قبل از مهاجرت، عوامل متعددی موجب شکل‌گیری تصمیمات مهاجرتی می‌شوند. این عوامل هم شامل عوامل کلان و سیستمی مانند اقتصاد ملی و هم عوامل فردی و خرد مانند مراحل جنسیتی در چرخه زندگی می‌باشند. این عوامل به سه حوزه تقسیم می‌شوند: (۱) روابط و سلسله مراتب جنسیتی، (۲) موقعیت و نقش‌ها، (۳) مشخصه‌های ساختاری مبدأ که روابط و سلسله مراتب جنسیتی در درون بستر خانواده، مهاجرت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خانواده به تعریف و واگذاری نقش‌ها به زنان می‌پردازد و این وضعیت خود انگیزه نسبی آنها را برای مهاجرت، کنترل توزیع منابع و اطلاعات که می‌تواند حمایت کند یا عدم تشویق و جلوگیری از مهاجرت را تعیین می‌کند. تعامل نقش‌ها، موقعیت و سن زنان در درون یک بستر اجتماعی - فرهنگی خاص منجر به احتمال مهاجرتی می‌شود که خود می‌تواند توانایی زنان را برای مهاجرت تحت تأثیر قرار دهد.

در نهایت، عوامل سطح کلان مبدأ هستند که می‌توانند در مرحله انتقالی و عبور از مرزها، سیاست‌های مهاجرتی و گزینش‌های مهاجرتی بر مهاجرت جنسیتی شده تأثیرگذار باشند. معمولاً در این سیاست‌ها، زنان به عنوان تابع و مردان به عنوان افراد مستقل در نظر گرفته می‌شوند. در مرحله بعد از مهاجرت نیز زنان و مردان به طور متفاوتی در مقصد اسکان یافته و انطباق پیدا می‌کنند. در اینجا معمولاً نتایج و پیامدهای انطباق تحت تأثیر سه عامل می‌باشد: (۱) تأثیر وضعیت ورود بر توانایی اسکان و انطباق، (۲) الگوهای ادغام در بازار کار (۳) تأثیر مهاجرت بر وضعیت و موقعیت زنان و مردان (بویاد و گرایکو، ۲۰۰۳: ۲۷). بدین ترتیب، زنان در فرایند مهاجرت می‌توانند نقش‌های متفاوتی (مستقل / تبعی) داشته باشند که داشتن هرکدام از این نقش‌ها بستگی به عوامل و تعیین‌کننده‌ها در بستر اجتماعی - فرهنگی جامعه مورد مطالعه دارد.

¹ Chattopadhyay



شکل ۱: مدل نظری رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته

با توجه به مدل نظری تحقیق، متغیرهای مستقل مورد نظر (افزایش سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال زنان، وضعیت تأهل، سرپرست خانوار بودن زنان، سن زنان، مبدا مهاجرت و استفاده از اینترنت) احتمال مهاجرت های تحصیلی شغلی زنان را افزایش می دهند. *مطالعات فرسنگی*

فرضیه های پژوهش

۱. احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل می باشد.
۲. با افزایش سطح تحصیلات، احتمال مهاجرت تحصیلی و شغلی افزایش می یابد.
۳. وضعیت فعالیت زنان رابطه معناداری با مهاجرت های تحصیلی و شغلی دارد؛ به طوری که با افزایش مشارکت اقتصادی زنان، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی افزایش می یابد.
۴. مهاجرت های شغلی و تحصیلی در مهاجران با مبدأ شهری بیشتر از مهاجران با مبدأ روستایی است.
۵. استفاده از اینترنت، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی را افزایش می دهد.

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل ثانویه داده های دو درصدی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده، استفاده گردیده است. جامعه آماری شامل همه زنان و دختران جوان ۱۵-۳۴ ساله در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ است. تعداد نمونه زنان مهاجر ۱۵-۳۴ ساله از فایل داده های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰، برابر با ۲۲۷۷۲ نفر بوده است. جهت رسیدن به اهداف تحقیق که بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر مهاجرت شغلی و تحصیلی زنان بوده، افراد نمونه به سه دسته تقسیم شدند: کسانی که به پیروی از خانوار مهاجرت کرده اند؛ کسانی که به دلایل تحصیلی مهاجرت کرده اند و کسانی که به دلایل شغلی مهاجرت کرده اند. تعداد نمونه در دسته اول ۱۹۹۳۵ نفر، در دسته دوم ۱۷۲۹ نفر و در دسته سوم ۱۱۰۸ نفر بوده است. از دسته اول برای گروه مرجع در تحلیل های آماری استفاده شده است. در این مقاله، انواع مهاجرت در سه مقوله مهاجرت های تحصیلی، شغلی و تبعی به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است. سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت فعالیت، رابطه با سرپرست خانوار، مبدأ شهری و روستایی و استفاده از اینترنت به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیتی افراد مورد بررسی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نمونه مورد بررسی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله مهاجر (۱۳۹۰)

درصد	تعداد	ویژگی های جمعیتی	
۱۵/۲	۳۴۶۸	۱۵-۱۹	گروه های سنی
۳۰/۶	۶۹۶۴	۲۰-۲۴	
۳۳/۱	۷۵۲۸	۲۵-۲۹	
۲۱/۱	۴۸۱۲	۳۰-۳۴	
۱۸/۷	۴۲۵۵	تحصیل می کند	وضعیت اشتغال به تحصیل
۸۱/۳	۱۸۵۱۷	تحصیل نمی کند	
۱۳/۷	۳۱۱۳	بی سواد	
۲۰/۸	۴۷۴۲	ابتدایی - راهنمایی	

۳۷/۹	۸۶۳۴	متوسطه و دیپلم	سطح تحصیلات
۲۷/۶	۶۲۸۳	دانشگاهی	
۹۱	۲۰۷۳۲	غیر شاغل	وضعیت شغلی
۹	۲۰۴۰	شاغل	
۲۱/۲	۴۸۲۲	مجرد	وضعیت تاهل
۷۸	۱۷۷۵۸	دارای همسر	
۰/۲	۴۲۰	بیوه	
۷	۱۵۰	مطلقه	
۱/۹	۴۲۷	سرپرست خانوار	رابطه با سرپرست خانوار
۷۲/۴	۱۶۴۹۸	همسر	
۱۹/۴	۴۴۱۵	فرزند	
۶/۳	۱۴۳۲	سایر	
۱۰۰	۲۲۷۷۲	جمع کل	

همان طور که مشخص است از مجموع ۲۲۷۷۲ زن مورد بررسی، بیشترین گروه سنی که مهاجرت کرده اند زنان گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله بوده اند. در مورد سایر ویژگی های جمعیتی یعنی وضعیت در حال تحصیل، بیشتر پاسخگویان (حدود ۸۱ درصد) تحصیل نمی کرده اند و ۱۹ درصد در حال تحصیل بوده اند. در مورد سطح تحصیلات بیشتر پاسخگویان (حدود ۳۸ درصد) دارای سطح تحصیلات متوسطه و دیپلم بوده اند و حدود ۲۸ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته اند. در مورد وضعیت شغلی، ۹۱ درصد غیر شاغل و تنها ۹ درصد از زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله دارای شغل بوده اند. وضعیت تاهل نشان می دهد که بیشتر پاسخگویان (حدود ۷۸ درصد) دارای همسر بوده، ۲۱ درصد مجرد و حدود ۱ درصد بیوه و مطلقه بوده اند. در مورد رابطه با سرپرست خانوار، بیشتر پاسخگویان (حدود ۷۲ درصد) همسر سرپرست خانوار بوده، ۱۹ درصد به عنوان فرزند خانوار و تنها ۲ درصد از زنان سرپرست خانوار بوده اند.

نتایج تحلیل دو متغیره

جدول ۳ به بررسی و آزمون دومتغیری عوامل اثر گذار بر الگوهای مهاجرتی زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله می پردازد. متغیرهای مستقل مورد بررسی شامل سن، وضعیت تاهل، رابطه با سرپرست خانوار، وضعیت تحصیلی، سطح تحصیلات زنان، استفاده از اینترنت، وضعیت شغلی و محل سکونت (شهری یا روستایی) بوده

است و متغیر وابسته نوع الگوهای مهاجرتی بوده است که در سه مقوله مهاجرت های تحصیلی، مهاجرت های شغلی و مهاجرت های تبعی مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به جدول ۳، رابطه سن با الگوی مهاجرت های تحصیلی نشان می دهد که بیشترین گروه سنی که به دلایل تحصیلی مهاجرت کرده اند، در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله قرار گرفته اند که حدود ۱۲ درصد است. گروه سنی که بیشتر مهاجرت های تبعی داشته اند گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله بوده است که حدود ۹۰ درصد بوده است. برای سنجش رابطه دو متغیره سن و نوع الگوهای مهاجرتی، به دلیل مقوله ای بودن متغیر وابسته از آزمون کای اسکور استفاده شده است. همان طور که نتایج این آزمون نشان می دهد رابطه معناداری بین سن و نوع الگوهای مهاجرتی وجود دارد.

جدول ۳: آزمون رابطه دو متغیره عوامل مرتبط با انواع مهاجرت زنان جوان در دوره ۹۰-۱۳۸۵

آزمون کای اسکور	تعداد نمونه	مهاجرت های			عوامل موثر	
		مهاجرت های تبعی (%)	مهاجرت های شغلی (%)	مهاجرت های تحصیلی (%)		
$X^2=581/156$ Sig=۰/۰۰۰	۳۴۶۸	۸۹/۰	۲/۵	۸/۵	۱۵-۱۹	
	۶۹۶۴	۸۴	۳/۴	۱۲/۶	۲۰-۲۴	
	۷۵۲۸	۸۸/۱	۵/۸	۶/۱	۲۵-۲۹	
	۴۸۱۲	۹۰/۵	۷/۱	۲/۳	۳۰-۳۴	
$X^2=3986/63$ Sig=۰/۰۰۰	۴۸۲۲	۶۶/۴	۵/۴	۲۸/۲	مجرد	
	۴۲	۶۹/۱	۲۳/۸	۷/۱	بیوه	
	۱۷۷۵۸	۹۳/۵	۴/۵	۲	دارای همسر	
	۱۵۰	۶۲/۷	۲۸/۷	۸/۷	مطلقه	
$X^2=5825/19$ Sig=۰/۰۰۰	۴۲۷	۲۳/۷	۴۱	۳۵/۴	سرپرست خانوار	
	۱۶۴۹۸	۹۴/۴	۴/۳	۱/۳	همسر	
	۴۴۱۵	۷۹/۸	۳/۲	۱۷	فرزند	
	۱۴۳۲	۵۱/۴	۶	۴۲/۶	سایر	
$X^2=3208/50$ Sig=۰/۰۰۰	۴۲۵۵	۶۸/۵	۳/۱	۲۸/۳	تحصیل می کند	
	۱۸۵۱۷	۹۱/۹	۵/۳	۲/۸	تحصیل نمی کند	
$X^2=3388/97$ Sig=۰/۰۰۰	۳۱۱۳	۹۴/۹	۴/۱	۰/۹	بی سواد	
	۴۷۴۲	۹۵/۶	۴	۰/۴	ابتدایی و راهنمایی	
	۸۶۳۴	۶۹/۲	۷/۱	۲/۲	متوسطه و دیپلم	
	۶۲۸۳	۹۳/۹	۳/۹	۲۳/۷	دانشگاهی	
$X^2=2831/57$ Sig=۰/۰۰۰	۵۵۸۴	۶۹/۶	۶/۷	۲۳/۶	بلی	
	۱۷۱۸۸	۹۳/۴	۴/۳	۲/۴	خیر	
$X^2=1286/44$	۲۰۷۳۲	۸۹/۵	۳/۳	۷/۲	غیر شاغل	

Sig=۰/۰۰۰	۲۰۴۰	۶۷/۵	۲۰/۵	۱۲/۱	شاغل	
$X^2=۱۲۳/۳۰$	۵۱۰۹	۹۱/۹	۳/۸	۴/۳	روستایی	منشا شهری و
Sig=۰/۰۰۰	۱۷۶۶۳	۸۶/۳	۵/۲	۸/۵	شهری	روستایی

در مورد وضعیت تاهل نتایج نشان داد ۲۸ درصد از زنانی که مجرد بوده اند، الگوی مهاجرت های تحصیلی و ۵ درصد مهاجرت های شغلی داشته اند و در حدود ۶۶ درصد از این زنان به دلایل تبعی مهاجرت کرده اند. بیشترین گروهی که مهاجرت های تبعی داشته اند، گروه زنان دارای همسر بوده اند. در واقع، ۹۴ درصد از این زنان الگوی مهاجرت های تبعی داشته اند. کسانی که مجرد بوده اند بیشتر به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند. زنان مطلقه به نسبت سایر زنان متاهل، بیوه و مطلقه، در حدود ۲۹ درصد و سپس زنان بیوه در حدود ۲۴ درصد به دلایل شغلی مهاجرت داشته اند. در مورد رابطه سرپرست خانوار نتایج نشان داد که بیشترین کسانی که مهاجرت های تبعی داشته اند، زنان دارای همسر بوده اند (حدود ۹۵ درصد) و کمترین زنانی که مهاجرت های تبعی داشته اند زنان سرپرست خانوار بوده اند (حدود ۲۳ درصد). زنان سرپرست خانوار بیشترین نوع الگوهای مهاجرتی شان، شغلی بوده (حدود ۴۱ درصد) و ۳۵ درصد از این زنان سرپرست خانوار به دلایل تحصیلی مهاجرت داشته اند. به طور کلی ۷۶ درصد از زنانی که خود سرپرست خانوار بوده اند، به دلایل شغلی و تحصیلی مهاجرت کرده اند.

متغیر مورد بررسی دیگر، وضعیت در حال تحصیل زنان بوده است. بر اساس نتایج جدول ۳، حدود ۹۲ درصد از زنانی که تحصیل نمی کردند مهاجرت های تبعی داشته اند و در مقابل، زنانی که تحصیل می کرده اند، ۶۸ درصد مهاجرت های تبعی داشته اند. در حال تحصیل بودن زنان باعث شده است که کمتر مهاجرت های تبعی داشته باشند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت داشته باشند. به علاوه، سطح تحصیلات نیز یکی از مهم ترین عوامل تحرک مکانی و مهاجرت زنان است. بر اساس نتایج، دو گروه تحصیلی (بی سواد و ابتدایی) بیشترین مهاجرت های تبعی را داشته اند و در مقابل، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی کمترین میزان مهاجرت های تبعی را داشته اند. بنابراین با بالاتر رفتن سطح تحصیلات زنان، نقش آنها در قدرت تصمیم گیری خانواده افزایش داشته و باعث شده که کمتر مهاجرت های تبعی داشته باشند و بیشتر مهاجرت های تحصیلی و شغلی داشته باشند. از طرف دیگر، چون زنان دارای سطح تحصیلات دانشگاهی اغلب مجرد هستند،

بنابراین مهاجرت تبعی کمتری داشته اند و بر اساس میل و نیاز خود اقدام به مهاجرت کرده اند. اضافه بر این، وضعیت شغلی زنان و رابطه اش با الگوهای مهاجرتی نشان داد زنانی که دارای شغل و منبع درآمد هستند و نوعی استقلال مالی دارند، قدرت بیشتری در خانواده، برای اعمال نظر خود دارند. بنابراین کمتر از زنان غیر شاغل مهاجرت های تبعی داشته اند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت داشته اند.

بررسی رابطه استفاده از اینترنت و نوع الگوهای مهاجرتی نشان داد که حدود ۹۳ درصد از کسانی که از اینترنت استفاده نمی کنند، مهاجرت های تبعی داشته اند. در مقابل، ۶۹ درصد از کسانی که از اینترنت استفاده می کنند، مهاجرت های تبعی داشته اند. البته، استفاده از اینترنت، تابعی از تحصیلات زنان بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که زنان با سواد بیشتر از اینترنت استفاده کرده اند و این به نوبه خود در افزایش آگاهی زنان برای ارتقای موقعیت اجتماعی شان موثر بوده است و در نتیجه این زنان کمتر مهاجرت های تبعی داشته اند و بیشتر به دلایل تحصیلی و شغلی مهاجرت کرده اند. علاوه بر این ها، منشا شهری و روستایی داشتن زنان نیز بر الگوهای مهاجرتی اثرگذار است؛ به طوری که ۹۲ درصد از زنانی که از روستا مهاجرت کرده اند، مهاجرت های تبعی داشته اند و ۸۶ درصد زنانی که از شهر مهاجرت داشته اند، مهاجرت های تبعی کرده اند. در روستاها به دلیل ساختار سنتی و پایین بودن نقش زنان در تصمیم گیری های خانواده، زنان بیشتر به دلیل پیروی از خانواده مهاجرت می کنند. در مقایسه زنان شهری به نسبت بیشتر، درگیر مهاجرت های تحصیلی و شغلی بوده اند.

نتایج تحلیل چندمتغیره

با توجه به اینکه مهاجرت های تحصیلی و شغلی به نوعی بیانگر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت است، این دو مقوله را باهم ترکیب و آن را در مقایسه با مهاجرت های تبعی مورد بررسی قرار دادیم. برای برآورد احتمال مهاجرت های شغلی و تحصیلی براساس عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی از رگرسیون لوجستیک استفاده کردیم. متغیر وابسته تحقیق ما دو شقی است. برای احتمال مهاجرت های تحصیلی شغلی زنان کد (۱) و مهاجرت های تبعی زنان کد (۰) استفاده شده است. جدول ۴ نتایج رگرسیون لوجستیک را نشان می دهد که از بین ۸ متغیر مستقل وارد شده در مدل (سن، وضعیت تاهل، وضعیت در حال تحصیل، سطح تحصیلات، استفاده از اینترنت، وضعیت شغلی، منشا شهری و روستایی و رابطه با سرپرست خانوار) تمام

متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیونی به جز متغیر منشا شهری و روستایی، قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته (احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی) هستند. در میان مجموعه متغیرهای معنی دار باقی مانده در معادله، متغیر رابطه با سرپرست خانوار مقوله (سرپرست خانوار)، وضعیت تاهل مقوله (بدون همسر) و سطح تحصیلات دانشگاهی بیشترین توانایی را در پیش بینی وضعیت مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله دارند.

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی تاثیر عوامل مختلف بر احتمال مهاجرت های شغلی تحصیلی زنان ۱۵ تا ۳۴ ساله در دوره

۱۳۸۵-۹۰

Sig.	EXP(B)	B	عوامل موثر	
	۱/۰۰		سن	(R) ۱۵-۱۹
۰/۰۰۰	۱/۱۷۴	۰/۵۵۵		۲۰-۲۴
۰/۰۰۰	۱/۷۶	۰/۵۶۵		۲۵-۲۹
۰/۰۰۰	۱/۵۸	۰/۴۶۰		۳۰-۳۴
	۱/۰۰		وضعیت تاهل	دارای همسر (R)
۰/۰۰۰	۵/۲۱	۱/۶۵		بدون همسر
	۱/۰۰		رابطه با سرپرست خانوار	همسر (R)
۰/۰۰۰	۱۵/۰۷	۲/۷۱۳		سرپرست خانوار
۰/۰۰۲	۰/۶۹۸	۰/۳۶۴		فرزند
۰/۰۰۰	۴/۹۴۰	۰/۵۹۷		سایر
	۱/۰۰		وضعیت در حال تحصیل	تحصیل نمی کند (R)
۰/۰۰۰	۱/۴۸	۰/۳۹۴		تحصیل می کند
	۱/۰۰		سطح تحصیلات	بی سواد (R)
۰/۸۵۹	۱/۰۲۵	۰/۰۱۸		ابتدایی و راهنمایی
۰/۸۵۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶		متوسطه و دیپلم
۰/۰۰۰۰	۳/۰۹	۱/۰۹۹		دانشگاهی
			استفاده از اینترنت	خیر (R)
۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۵۱۷		بلی
	۱/۰۰		وضعیت شغلی	غیر شاغل (R)
۰/۰۰۰	۲/۴۵	۰/۸۹۸		شاغل
	۱/۰۰		منشا شهری و روستایی	روستایی (R)
۱/۱۶۲	۱/۱۱	۰/۰۹۵		شهری
۰/۰۰۰		-۰/۴۳۲	Constant ثابت	

به طور خلاصه احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی زنان زمانی بیش تر است که:

(۱) زنان خود سرپرست خانوار باشند.

(۲) زنان بدون همسر باشند.

(۳) زنان دارای سطح تحصیلات دانشگاهی باشند.

(۴) زنان شاغل باشند.

همچنین، با توجه به ضریب تعیین می توان گفت که نقش متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته در حدود ۴۰ درصد است؛ یعنی ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این ۷ متغیر مستقل باقی مانده در مدل تبیین می شود و حدود ۶۰ درصد باقی مانده توسط متغیرهای خارج از مدل تبیین می شود که به آن واریانس تبیین نشده می گویند. در واقع، این ۷ متغیر مستقل توانسته اند در حدود ۴۰ درصد از مهاجرت های تحصیلی و شغلی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه گیری

امروزه زنان به مهاجرت می پردازند و نزدیک به نیمی از حرکات مهاجرتی را شکل می دهند. تغییرات ساختاری و نگرشی پیرامون موقعیت زنان و مشارکت های اجتماعی آنها، باعث افزایش توقعات، آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی زنان شده است و آنان برای دسترسی به فرصت ها و موقعیت های اجتماعی و اقتصادی بالاتر دست به مهاجرت می زنند. با توجه به افزایش نقش زنان در فرآیندهای مهاجرتی در ایران و همچنین وجود خलाهای تحقیقاتی در این زمینه، این مقاله با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ به بررسی مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان جوان و عوامل موثر بر آن در ایران در دوره ۹۰-۱۳۸۵ پرداخته است.

نتایج بررسی نشان داد که حدود یک پنجم زنان جوان به دلایل شغلی و تحصیلی دست به مهاجرت و جا به جایی زده اند و وضعیت تأهل (دارای همسر بودن) اثری منفی بر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت داشته است. اشتغال به تحصیل، افزایش سطح تحصیلات و استفاده از اینترنت، اثرات مثبتی بر نقش فعال زنان در فرایندهای مهاجرتی دارد. وضعیت اخیر خود می تواند گویای پیامدهای تغییرات اجتماعی و توسعه بر

مهاجرت های زنان باشد. یکی از مهم ترین علل مهاجرت دختران و زنان، کسب علم و تحصیل است؛ زیرا بسیاری از دختران پس از اتمام دوره متوسطه و قبولی در کنکور آن هم در شهرهایی خارج از محل سکونت خود، به مهاجرت به شهر محل تحصیل می پردازند که همین چند سال تجربه اقامتی و وجود فرصت های شغلی منجر به انگیزه انتخاب شهر محل تحصیل برای ادامه زندگی می شود. بر این اساس، جنسیت عامل کلیدی در درک علل و پیامدهای مهاجرت است (صادقی و ولدوند، ۱۳۹۴: ۷۵). امروزه زنان نه فقط به عنوان تبعیت کنندگان، بلکه به عنوان عوامل و کارگزاران مستقل و حامیان و برنامہ ریزان خانواده مهاجرت می کنند. این تغییر با دگرگونی جایگاه و موقعیت زنان در خانواده و اجتماع در پی فرایند توسعه و جهانی شدن، افزایش میزان آگاهی، مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان قابل تبیین است. بر این اساس، همان طور که نتایج بررسی نشان داد نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت به طور مثبت و به شدت با تحصیلات و مشارکت اقتصادی مرتبط است. تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که وضعیت تاهل (مجرد بودن زنان)، سرپرست خانوار بودن زنان، ضریب نفوذ اینترنت، تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی آنان از مهمترین عوامل اثر گذار بر مهاجرت های شغلی و تحصیلی زنان در سال های اخیر می باشد. این متغیرها حدود ۴۰ درصد واریانس متغیر وابسته یعنی احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی را تبیین می کنند. بر این اساس، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی در دهه ۲۰ سالگی زنان افزایش می یابد. احتمال مهاجرت های اقتصادی برای زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل، برای زنان سرپرست خانوار بیشتر از زنان تبعی، برای زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل و برای زنانی که تحصیل می کنند بیشتر از زنانی است که تحصیل نمی کنند. به علاوه، با افزایش سطح تحصیلات زنان و همچنین نفوذ اینترنت، احتمال مهاجرت های تحصیلی و شغلی افزایش می یابد. بدین ترتیب، نتایج این بررسی در تبیین نقش های متفاوت زنان در فرایند مهاجرت بر حسب عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی از پیش فرض های تئوریک منابع خانواده، نقش های جنسیتی و استراتژی های خانوار حمایت می کند. در حقیقت، طبق تئوری منابع خانواده، قدرت فرد در تصمیم گیری ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. بر اساس این تئوری، تصمیمات مهاجرت خانوادگی و نقش زنان در این فرایندها بستگی به سطح منابع انسانی نظیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سطح تحصیلات دارد. تئوری نقش های جنسیتی بیان می کند که زنان، صرف نظر از سطح منابع فردی شان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم گیری های مهاجرت خانوادگی دارند. به طور سنتی، نقش های زنان کمتر از نقش های مردان در فرایند مهاجرت می باشد. از این رو، زنان به احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهران شان در حرکات مهاجرتی هستند. بر این اساس، زنان تحت نفوذ ایدئولوژی ها و هنجارهای

فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی نظیر تصورات قالبی جنسیتی، الگوهای تربیتی و خاستگاه قومی - فرهنگی در رفتار مهاجرتی نقش پیدا می‌کنند. همچنین، بر اساس رویکرد استراتژی خانوار و مدل پدرسالاری روابط جنسیتی/خانواده می‌توان گفت که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تاثیرگذار می‌باشد. به طور خلاصه در تبیین نقش زنان در فرایند مهاجرت می‌توان گفت که تصمیم‌گیری‌ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده‌ها و نهادها اتخاذ می‌شود.

پیشنهادها

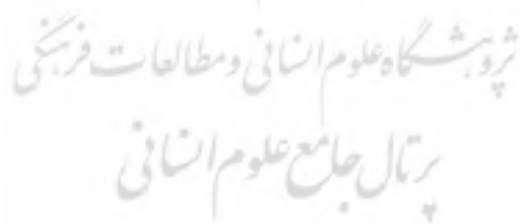
باتوجه به وضعیت جدید زنان، راهکارهای سیاستی در جهت ادغام مناسب آن‌ها در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور ضروری به نظر می‌رسد. یک راهکار برای مدیریت این موضوع و جلوگیری از تبدیل شدن آن به معضل جدید، فرهنگ سازی مناسب برای اشتغال سالم بانوان در مناطق کوچک و کمتر توسعه یافته است. بر خلاف باور رایج، زنان همیشه در دوره‌های مختلف حضور سازنده‌ای در تامین اقتصاد خانواده داشته‌اند. نقطه تمایز فعلی، یکی گسترده شدن حجم کمی مهاجرت زنان مجرد به شهرهای بزرگ و دارای جذابیت اشتغال و دیگری تنوع مشاغل متقاضی اشتغال است. موارد یاد شده در کنار اصلاح باورهای فرهنگی، اولاً از مهاجرت‌های گسترده زنان و تبعات بعدی آن جلوگیری می‌کند؛ ثانياً، زمینه توسعه و پیشرفت اقتصادی در مناطق ضعیف و محروم را فراهم می‌نماید.

به طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که افزایش منزلت و اعتبار اجتماعی زنان، به تاثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده کمک نموده و آنان امروزه جایگاه ویژه‌ای در فرایند مهاجرت پیدا کرده‌اند. زنان دیگر فقط به دلیل پیروی از خانواده مهاجرت نمی‌کنند. از این رو، نمی‌توان آنان را بنا بر این تصور قالبی که زنان تنها وابستگان و تابعان فرایند مهاجرت هستند، در مطالعات و بررسی‌های مهاجرتی کنار گذاشت و نادیده گرفت.

منابع

- اسمعیلی، نصیبه. (۱۳۸۸). "بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی به شهر همدان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- جعفری، نرگس. (۱۳۸۸). "بررسی روند تحولات مهاجرت زنان و شناخت عوامل موثر بر آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن پور فرد، علی. (۱۳۸۹). "گرایش به مهاجرت و جنسیت". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، رسول و ولدوند، لیلا. (۱۳۹۴). "جنسیت و مهاجرت تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران". دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. دوره ۴، شماره ۷ (پاییز و زمستان).
- مشفق، محمود و خزایی، معصومه. (۱۳۹۴). "تحلیلی بر ویژگی و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران". فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۷، شماره ۶۷ (بهار).
- Assar, H. (1993). "Family migration in Iran: The role of women and kinship ties 1976-1986". PhD Thesis in Southern Illinois University at Carbondale.
- Boyd, M. and E. Grieco. (2003). "Women and Migration: Incorporating Gender into International Migration Theory". Migration Information Source.
- Chant, S. (1998). "Households, gender and rural-urban migration: reflections on linkages and considerations for policy". Environment and Urbanization. Vol. 10, No. 1, April 1998.
- Chant, S. and S. A. Radcliffe. (1992). "Migration and Development: the Importance of Gender". In S. Chant (Eds. *Gender and Migration in Developing Countries*. London: Belhaven Press.
- Charalampopoulou, D. (2004). "Gender and migration in Greece: the position and status of Albanian women migrants in Patras". *Finisterra*, 39(77): 77-104.

- Donato, K. M., D. Gabaccia, J. Holdaway, M. Manalansan, and P. R. Pessar. (2006). **"A Glass Half Full Gender in Migration Studies"**. International Migration Review. Vol. 40(1): 3-26.
- Eisikovits, R. A. and H. Schechter. (2007) . **"Social and Academic Adaptation Styles of Female Students who imigrated a lone from the Former Soviet Union to Israel"**. International Migration Vol. 45 (2): 97-118.
- IOM. (2003) . **"Gender and Migration in Asia: Overview and Annotated Bibliography."** Brighton: Institute of Development Studies.
- Parrado, E. A. and C. A. Flippen. (2005). **"Migration and Gender among Mexican Women"**. AMERICAN SOCIOLOGICAL REVIEW. VOL. 70 (August: 606–632)
- Riley, N. E and R. W. Gardner. (1993). **"Migration Decisions: The Role of Gender"**. In *Internal Migration of Women in Developing Countries. Pp 195-206, United Nations.*
- Riley, N. E. (1999). **"Challenging Demography: Contributions from Feminist Theory"**. Sociological Forum. 14(3): 369-397.
- Velayati, M. (2003). **"Female rural-urban migration of Azari women in Iran: The case study of Tabriz "**. PhD Thesis in University of York.



A Study on Factors Influencing Educational and Occupational Migration of Iranian Young Women during 2006-2011

Nasibeh Esmaeli

Master degree in Demographics, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Mahmoodian

Ph.D., Associate Professor, Demographics Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Received:15 Nov. 2016

Accepted:21 Feb. 2017

Gender is one of the most important social contexts of migration. Until recent decades, migration was considered mostly as a male phenomenon, whereas nowadays, women make up half of migration movements. The structural and attitudinal changes regarding the position of the women and their contributions in the social activities led to increasing economic-social expectations of young women and their intention to migration. Due to the increasing role of women in migration processes in Iran, and also research gaps in this area, this paper using 2011 micro-census data examine the young women's educational and occupational migrations and the associated factors in Iran. During 2006 to 2011, about 5/5 million have been migrated in Iran that 48 percent of them were female. The results showed that about one fifth of the young women have migrated due to educational and occupational reasons. Multivariate analysis indicated being single, female head of household, internet use, university education, and economic participation, significantly are determinant factors on educational and Occupational Migration of Iranian Young Women. Thus, the increasing of academic education among the young women, social mobility and high tendency to participants in labor force led to increasing of female migration in the future.

Keywords: Occupational Migration, Educational Migration, Secondary Analysis, Gender and Youth